

به نام خدا

خودکار آمدی و اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان

مولفان :

مهسا سخائی فر
پریسا بابالاری مبارکی
نوشین کلانتر هاشمی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: سخائی فر، مهسا، ۱۳۶۳
عنوان و نام پدیدآور: خودکارآمدی و اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان/ مولفان مهسا
سخائی فر، پریسا بابالاری مبارکی، نوشین کلانتر هاشمی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۷۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانش آموزان - خودکارآمدی - اشتیاق تحصیلی
شناسه افزوده: بابالاری مبارکی، پریسا، ۱۳۷۰
شناسه افزوده: کلانتر هاشمی، نوشین، ۱۳۶۵
رده بندی کنگره: PN۲۱۵۲
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۱۳
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۷۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: خودکارآمدی و اشتیاق تحصیلی در دانش آموزان
مولفان: مهسا سخائی فر - پریسا بابالاری مبارکی - نوشین کلانتر هاشمی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۱۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۰۷۸-۳
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه.....
۱۳	فصل اول: مبانی نظری خودکارآمدی.....
۱۳	شخصیت و شکل گیری خود.....
۱۴	اهمیت مفهوم خود.....
۱۵	علل پیدایش پدیده خود.....
۱۶	اجزای خود.....
۱۷	ویژگی های خود.....
۱۹	ابعاد درک خود.....
۲۰	عوامل مؤثر بر شکل گیری مفهوم خود.....
۲۱	خودکارآمدی.....
۲۳	فصل دوم: ماهیت خودکارآمدی.....
۲۵	اثرات خودکارآمدی بر کارکردهای روان شناختی.....
۲۸	ارتباط خودکارآمدی با چندین متغیر انگیزشی.....
۲۹	ابعاد خودکارآمدی.....
۳۱	انواع خودکارآمدی.....
۳۲	سنجش خودکارآمدی.....
۳۳	مدل های خودکارآمدی.....
۳۴	مولفه های خودکارآمدی.....
۳۵	فرآیند های فعال کننده خودکارآمدی.....
۳۸	ویژگی های خودکارآمدی.....
۴۰	تعیین کننده های خودکارآمدی.....
۴۳	مراحل رشد خودکارآمدی.....
۴۷	فصل سوم: اثرات خودکارآمدی.....
۴۷	اثرات خودکارآمدی بر رفتار.....

۵۰	منابع خودکارآمدی.....
۵۵	انتقادهایی درباره خودکارآمدی.....
۵۶	عوامل مؤثر در خودکارآمدی.....
۶۱	خودکارآمدی تحصیلی.....
۶۲	خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی.....
۶۵	فصل چهارم: اشتیاق تحصیلی.....
۶۵	اشتیاق تحصیلی.....
۶۷	چرخه انگیزش و اشتیاق.....
۷۲	اشتیاق شناختی.....
۷۳	اشتیاق عاطفی.....
۷۴	اشتیاق رفتاری.....
۷۷	فصل پنجم: عوامل مؤثر بر اشتیاق تحصیلی.....
۷۷	اطاعت و تسلیم در برابر اشتیاق تحصیلی.....
۷۸	عوامل مؤثر بر اشتیاق تحصیلی.....
۸۵	فصل ششم: اشتیاق و سازه های زوجی آن.....
۸۸	اشتیاق در کلاس درس.....
۸۹	اشتیاق مدرسه.....
۹۱	اشتیاق آموزشی.....
۹۳	اشتیاق دانش آموزی.....
۹۶	اشتیاق تحصیلی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی.....
۹۸	اشتیاق تحصیلی و تجاری سازی.....
۱۰۰	اشتیاق در سنین مختلف.....
۱۰۲	پیامد های اشتیاق دانشگاهی.....
۱۰۳	فصل هفتم: مدل های اشتیاق تحصیلی.....
۱۰۳	مدل تینتو.....
۱۰۳	مدل فین.....
۱۰۳	مدل نیسترنند و گاموران.....
۱۰۴	مدل فردریکز، بلومنفلد و پاریس.....

۱۰۵.....مدل گلان ویل و ویلد هاجن

۱۰۶.....مدل آپلتون، کریستون و فارلانگ

۱۰۶.....مدل وانگ و هلوکامب

۱۰۷.....منابع و مآخذ

۱۰۷.....منابع فارسی

۱۱۰.....منابع لاتین

مقدمه

مفهوم خودکارآمدی در مرکز نظریه شناختی- اجتماعی آلبرت بندورا، قرار دارد که به باورها یا قضاوت‌های فرد در مورد توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اشاره دارد. بندورا (۱۹۸۶ و ۱۹۹۷)، بر این باور بود که خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین عوامل تنظیم کننده رفتار انسان است. قضاوت‌های ناکارآمدی فرد در یک موقعیت، بیش‌تر از کیفیت و ویژگی‌های خود موقعیت فشارها را به وجود می‌آورند. افراد با خودکارآمدی کم، تفکرات بدبینانه درباره‌ی توانایی‌های خود دارند، بنابراین، این افراد از هر موقعیتی که بر اساس نظر آن‌ها از توانایی‌هایشان فراتر باشد، دوری می‌کنند در مقابل افراد با خودکارآمدی بالا، تکالیف سخت را به عنوان چالش‌هایی که می‌توانند بر آن‌ها مسلط شوند در نظر می‌گیرند. در واقع منظور بندورا (۱۹۹۷) از باورهای خودکارآمدی، قضاوت‌هایی است که درباره‌ی توانایی در زمینه سازمان‌دهی و انجام تکالیف خاص صورت می‌گیرد و میزان خودکارآمدی بیانگر آن است که یک شخص تا چه اندازه به توانایی خود برای دستیابی به یک هدف مشخص اطمینان دارد. باورهای خودکارآمدی بر الگوهای تفکر و واکنش‌های هیجانی انسان اثر می‌گذارند و در حقیقت، این باورها تعیین کننده‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های قوی میزان دستیابی به هدف نهایی هستند. برخی صاحب‌نظران مانند پاجارس (۱۹۹۶) و شانک (۱۹۸۹) با انجام پژوهش خود دلایلی مبنی بر صحت یافته‌های حاصل از پژوهش باندورا ارائه داده‌اند. براساس یافته‌های آن‌ها، افراد دارای خودکارآمدی بالا معمولاً در چهار حوزه‌ی مشخص، عملکرد بهتری نشان خواهند داد؛ اولین حوزه، انتخاب اهداف است.

این‌گونه افراد معمولاً اهداف سطح بالاتری را که مستلزم تلاش بیش‌تری است برای خود در نظر می‌گیرند. حوزه‌ی عملکردی دوم مربوط به تلاش و پشتکار است که مطابق با آن،

اشخاص مداومت و تلاش بیش‌تری برای انجام تکالیف دارند و در هنگام انجام تکلیف نیز از راهبردهای مختلف یادگیری بیش‌تر استفاده می‌کنند. میزان بازبینی یادگیری، سومین حوزه مورد بحث است. افراد دارای باورهای خودکارآمدی بالا، به طور مرتب میزان پیشرفت خود را در رابطه با اهداف، بازبینی و در هنگام لزوم به انطباق و تغییر راهبردها اقدام می‌کنند.

آخرین حوزه، واکنش در مقابل شکست و ناکامی است. این افراد شکست را ناشی از کمبود تلاش (نه نداشتن توانایی) می‌بینند و همین امر، سبب می‌شود که از شکست ناراحت نشوند و تلاش خود را افزایش دهند. به طور خلاصه می‌توان گفت باندورا خودکارآمدی تکلیف را به عنوان اعتقاد فرد به این که می‌تواند با موفقیت رفتار خواسته شده را برای دستیابی به نتایج آن انجام دهد، می‌شناسد. موقعی که افراد احساس می‌کنند مهارت‌های لازم را دارند و نتایج مستقیماً به کیفیت عملکرد آن‌ها وابسته است، این باورهای کارآمدی بر اهداف و اعمالشان اثر خواهد گذاشت. باورهای خودکارآمدی از جمله باورهای خود است که به رفتار تحصیلی جهت می‌دهد. باندورا در نظریه شناختی-اجتماعی خود. خودکارآمدی را مجموعه قضاوت‌ها و باورها نسبت به توانایی‌های خود در انجام تکالیف خاص در موقعیت‌های خاص تعریف کرده است. خودکارآمدی بر عقاید و باورهای افراد در اعمال کنترل بر عملکرد و رویدادهای مؤثر زندگی اشاره دارد. بر اساس نظریه‌ی شناختی-اجتماعی، افراد با باورهای قوی نسبت به توانایی‌های خود، در مقایسه با افرادی که نسبت به توانایی‌های خود تردید دارند، در انجام تکالیف بهتر عمل می‌کنند. فال و مک‌لئود (۲۰۰۱) معتقدند که باورهای خودکارآمدی میزان مقاومت و ایستادگی شخص در برابر موانع را نیز نشان می‌دهند و حاکی از این اعتقاد فرد هستند که وی قادر است در یک موقعیت به‌طور مؤثر عمل کند یا برعکس، در انجام کارهای خود نقش کمی داشته باشد. زمانی که افراد اعتقاد دارند توانایی‌هایشان برای انجام تکلیف بالاست پس شایستگی خود را برای رسیدن به موفقیت در آن تکلیف بالا ارزیابی می‌کنند و زمانی که تصور می‌کنند به‌دلیل ناتوان بودن، تلاش‌هایشان منجر به شکست می‌شود احساس عدم کفایت و شایستگی را تجربه خواهند کرد و در نتیجه در هنگام عملکرد اعتماد به‌نفس خود را از دست می‌دهند و در انجام تکلیف ناتوان می‌شوند. از دیدگاه باندورا، پاسترلی، باربارانلی و کاپرارا (۱۹۹۹) خودکارآمدی یک سازه چند بعدی می‌باشد و باید در زمینه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس آنان سه حوزه

اصلی را برای خودکارآمدی، شامل خودکارآمدی تحصیلی، اجتماعی و هیجانی در نظر گرفتند.

خودکارآمدی تحصیلی با احساس توانایی فرد در مدیریت فعالیت‌های یادگیری، تسلط بر موضوعات درسی و برآورده کردن انتظارات تحصیلی مرتبط است. همچنین، خودکارآمدی تحصیلی به منزله اطمینان فرد از توانایی در انجام موفقیت‌آمیز رفتارهای خودنظم‌دهی تحصیلی است. یعنی به میزان تنظیم کردن راهبردهای فراشناختی، انگیزشی و رفتاری در مراحل مختلف اشاره دارد- به عنوان مثال، برنامه‌ریزی برای تکالیف، سازماندهی کارهای کلاسی و انجام آنها در موعد مقرر.

خودکارآمدی اجتماعی، به معنی قابلیت‌های فرد در برخورد با چالش‌های اجتماعی، احساس توانایی در روابط با همسالان و توانایی اداره کردن ناسازگاری‌های بین‌فردی است. حس قوی خودکارآمدی اجتماعی باعث ایجاد ارتباطات مثبت می‌شود، در حالی که عدم خودکارآمدی اجتماعی فرد را به سوی کناره‌گیری و بیگانگی سوق می‌دهد. فرد از طریق خودکارآمدی اجتماعی قادر است، ارتباطات اجتماعی خود را توسعه دهد تا زندگی‌اش را لذت‌بخش و فشارهای محیطی را مدیریت نماید.

موریس (۲۰۰۱) خودکارآمدی عاطفی را این‌گونه تعریف کرده است: توانایی ادراک شده چیرگی بر هیجانات منفی توسط فرد. به عبارتی، باورهای خودکارآمدی عاطفی، به عنوان توانایی شخص برای تنظیم، و تعدیل هیجانات مناسب و دوری از حالت‌های هیجانی منفی در شرایط معین به کار برده می‌شود. به عبارتی دیگر، بازگشت به حالت طبیعی، وقتی که هیجانات منفی را تجربه می‌کند. ممکن است اضطراب و هیجانات منفی، برای فرد کاهش عملکرد تحصیلی، ناسازگاری اجتماعی و خلق افسرده را در پی داشته باشد یا حتی خطر ابتلا به افسردگی و دیگر مشکلات مربوط به سلامت هیجانی را در وی افزایش دهد.

ساوولاینن (۲۰۰۲) خودکارآمدی را برخورداری از توانایی برای انجام کارها در موقعیت‌های مختلف زندگی تعریف می‌کند. مادوکس (۲۰۰۰) باورهای خودکارآمدی را به‌عنوان عقاید شخص برای هماهنگ کردن مهارت با توانایی‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف مطلوب در شرایط و حوزه‌های خاص تعریف می‌کند. نظریه پردازان شناختی

معتقدند که باورهای خودکارآمدی یا قضاوت‌های افراد در مورد توانایی‌هایشان، مسیر فعالیت و جریان عملکردهای افراد را مشخص و سازماندهی می‌کند. به‌گونه‌ای که نگرش افراد به توانایی‌هایشان، روی رفتار به شیوه‌های مختلف از جمله روی انتخاب‌هایشان تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود افراد جریان عمل را دنبال یا قطع کنند. افراد به تکالیفی مشغول می‌شوند که احساس می‌کنند شایستگی‌اش را دارند و مطمئن هستند که می‌توانند انجام دهند و از کارهایی که احساس می‌کنند نمی‌توانند انجام دهند یا در آن موفقیت مورد انتظار را به‌دست نمی‌آورند، پرهیز می‌کنند.

در مقابل مشکلاتی که در زندگی برای انسان‌ها رخ می‌دهد، هر یک از افراد عوامل خاصی را مؤثر می‌دانند. عده‌ای شانس، سرنوشت و نیروهای بیرونی را عامل مهم در شکل‌گیری زندگی خود می‌دانند و دسته‌ای دیگر، نیروهای درونی مانند میزان تلاش و تصمیمات خود را در انجام فعالیت‌ها مهم به‌شمار می‌آورند. اشخاصی که خودکارآمدی بالایی دارند، برای کسب نتیجه مطلوب، فرایندهای شناختی و هیجانی‌شان را هماهنگ کرده و مکان کنترل در آنها درونی است.

باورهای خودکارآمدی افراد نقش مهمی در چگونگی نگرش آنها به شرایط مختلف دارند. این باورها تعیین می‌کنند که افراد چگونه احساس، فکر و رفتار کنند.

از نظر بندورا (۱۹۹۷)، باورهای خودکارآمدی، نتیجه فرایندهای یادگیری هستند. روابط اجتماعی که بر پایه چهار منبع مهم اطلاعاتی قرار دارند، نقش مهمی را در این فرایندهای یادگیری دارند. بندورا (۱۹۹۷)، چهار منبع اصلی اطلاعات را تجارب عملکردی، متقاعدسازی کلامی، تجارب نیابتی و علائم فیزیولوژیکی می‌داند.

مؤثرترین و با نفوذترین منبع خودکارآمدی، تفسیری است که فرد از عملکرد گذشته‌اش یا تجارب موفقیتش دارد. افراد در کارها و فعالیت‌هایی که مشغول می‌شوند، نتیجه اعمالشان را تفسیر می‌کنند و از این تفسیرها برای گسترش باورها و عقاید درباره توانایی‌شان برای درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های بعدی استفاده می‌کنند. معمولاً نتایجی که به‌عنوان نتایج موفق تفسیر می‌شوند، خودکارآمدی را افزایش می‌دهند و آن دسته که به‌عنوان نتایج ناموفق تفسیر می‌شوند، آن را کاهش می‌دهند.

افراد علاوه بر تفسیر نتایج اعمالشان، باورهای خودکارآمدی‌شان را از طریق تجربه جانشینی یعنی مشاهده اجرای اعمال دیگران، شکل می‌دهند. از نظر بندورا (۱۹۹۴)،

مشاهده فرد از اینکه افرادی مشابه خودش، با تلاش پیگیر، به دستاوردهای موفقی نائل می‌شوند، این اعتقاد را در فرد تقویت می‌کند که او نیز دارای قابلیت‌هایی است که می‌تواند از عهده فعالیت‌های مشابه به نحو موفقیت‌آمیزی برآید. همین‌طور وقتی مشاهده‌گر می‌بیند کسی قابلیت‌ها و توانایی‌های او را دارد و شکست می‌خورد، انتظار خودکارآمدی در او اُفت می‌کند و تلاش کمتری به خرج می‌دهد. زیرا انتظار دارد شکست و ناکامی به استقبالش بیاید.

بندورا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارد که افراد از طریق ترغیب و تشویق دیگران نیز می‌توانند متقاعد شوند که دارای مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم برای موفقیت می‌باشند. تشویق کلامی دیگران به فرد کمک می‌کند تا تلاش بیشتری به کار ببرد و پشتکار مورد نیاز برای موفقیت را تداوم بخشد و این امر به رشد پیوسته مهارت‌ها و کارآمدی شخصی منجر می‌شود.

واکنش‌های هیجانی و روانی و حالات فیزیولوژیکی نسبت به شرایط و وضعیت‌های مختلف، نیز نقش مهمی در خودکارآمدی فرد ایفا می‌کند. بندورا (۱۹۹۴) اذعان می‌دارد که نه تنها شدت واکنش‌های هیجانی و فیزیولوژیکی، بلکه چگونگی درک و تفسیر آن نیز اهمیت دارد. با یادگیری به حداقل رساندن میزان استرس به هنگام مواجهه با وظایف دشوار و چالش‌برانگیز، می‌توان حس خودکارآمدی را تقویت کرد.

به طور خلاصه، به منظور دستیابی به احساس کارآمد بودن، یک فرد می‌تواند مهارت یا عملی را به طرز موفقیت‌آمیزی به انجام برساند، شخص دیگری را مشاهده کند که در انجام تکلیف موفق بوده است، بازخوردی مثبت از انجام یک عمل کسب کند یا به نشانه‌ها و علائم فیزیولوژیکی اعتماد کند.

